



تحلیل آراء رنه گنون و تیتوس بورکهارت از هنر مقدس و هنر اسلامی

امیرفرزام دهنوی، مسعود تکروی، علی اکبر جهانگرد

دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد بین‌المللی کیش، ایران، کیش

کارشناس ارشد پژوهش هنر، آموزش عالی هنر شیراز، ایران، شیراز

استادیار دانشگاه آموزش عالی هنر شیراز، ایران، شیراز

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

چکیده

هنر در دوره‌های تاریخی و در جغرافیاهای متفاوت از این کره خاکی، تاثیرگذاری خود را در جهت ترویج ادیان مختلف به ملت‌ها نشان داده است. هنر همیشه از منظر فلاسفه و اندیشمندان دوران، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و بنا به تعدد ادیان و طرز تفکر اندیشمندان، مبانی نظری متفاوتی را طی کرده است. هنر از منظر سنت‌گرایان، هنری قابل رشد و تعالی بشر قرار می‌گیرد که بتواند از قالب هنر برای هنر درآمده و در راستای سنت و تعالیم دینی و عرفانی گام بردارد تا بتواند در هر قالب و صورتی که باشد، انسان را به سوی احدیت رهسپار سازد. سنت‌گرایان نظریات متفاوتی در مورد هنر ارایه دادند که در اکثر نظریات با یکدیگر متفق‌النظر بوده‌اند. در این پژوهش آراء رنه گنون و تیتوس بورکهارت را از منظر هنری که به سوی هنر مقدس و هنر دینی گام بر می‌دارد و از میان ادیان، در دوره اسلامی از تعالیم دین اسلام بهره برده را، مورد تحلیل و بررسی قرار داده، و در نهایت برای رسیدن به یک هنر مقدس در هنر اسلامی، می‌بایست ریشه‌ی هنر را در سرزمین‌های اسلامی نیز مورد توجه قرار دهیم و در کنار قرار دادن این مضمون با تعالیم اسلامی بتوانیم به سوی یک هنر مقدس گام برداریم. این پژوهش، پژوهشی کتابخانه‌ای بوده که با توجه به کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در این مضمون منتشر شده است، از آنها بهره گرفته شده و به توصیف و تحلیل آراء این دو اندیشمند سنت‌گرای قرن بیستم در حوزه‌ی هنر می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: هنر مقدس، هنر اسلامی، سنت‌گرایی، رنه گنون، تیتوس بورکهارت



۱. مقدمه

سنت‌گرایی

در فلسفه معاصر نسبت به مدرنیته‌ی جدید، رویکردی بوجود آمد که موضعی انتقادی به مدرنیته داشته و دانش و عقل، به معنای قدسی آن، در نظر گرفته شد. معنایی که از وحی نشأت گرفته و از جنس سنت، راه را برای تعالی و تکامل انسان خاکی هموار ساخته است. سنتی از جنس باورهای مردمی و دینی که انسان را به مبداش وصل می‌کند و بر جان و رفتار انسان‌ها تاثیر گذاشته و تجلی می‌یابد. از منظر سنت‌گرایی، یک انسان باید به اصولی پای‌بند و معتقد باشد که در او تحول و دگرگونی از نوع کمال انسانی بوجود آورد و اوضاع درونی آن را به وضعیتی جدید تبدیل سازد، وضعیتی از جنس ماوراءالطبیعه و مافوق بشری، که موجودات و کائنات از عالم بالا سرچشمه گرفته‌اند و انسان جانشین خداوند بر روی زمین، محوریت اصلی این مضمون را به خود اختصاص می‌دهد. انسان سنتی می‌کوشد که در این دنیا خود را به کمالی از والای انسانیت رسانده و همین‌طور با انجام اعمال خیر، آخرت خود را نیز بسازد و به سعادت اخروی خود دست یابد و بهشت جاودان را از آن خود کند. زمانی که وحی بر قلب پیامبر نازل می‌شده است، این وحی در قالب کلمات و جمله، جمع بندی شده و بصورت کتاب قرآن درآمده تا برای ما مفهومی قابل درک و فهم داشته باشد و بتواند وسیله صعود انسان به درگاه معنویت الهی گردد. هنرمند نیز با بهره‌گیری از این نوع تعالیم قرآنی و تخیل و ناخودآگاه انسانی خود در قالب معنویت و قدسی بودن آن است که می‌تواند آنها را در قالب آثار هنری عینیت بخشیده و صورت یک هنر قدسی را به آن القا کند.

در اسلام سرچشمه معنویت، قرآن کریم و فرموده‌های پیامبر (ص) است. از نظر اسلام زندگی معنوی مبتنی بر عشق به خدا و تسلیم در برابر اراده خداوند و شناخت اوست که هدف نهایی آفرینش است. (سرچشمه هنر مقدس، ۱۳۹۴: ۴) سنت‌گرایی در تاریخ معنویت‌گرایی غرب بی‌سابقه نبوده است، سنت‌گرایان خود را وامدار جریان تاریخی خاصی نمی‌دانند و آموزه‌هایشان را غیرشخصی و متافیزیکی تلقی می‌کنند. بسیاری از جریان‌های معنویت‌گرا در درون مسیحیت شکل گرفتند ولی نتیجه فعالیت همه آنها تقویت آموزه‌های مسیحیت نبوده است. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۹۹: ۷۰۷) دامنه سنت‌گرایی نه آن‌چنان محدود به یک حوزه است که بتوان بر اساس آن تعریف روشنی در نظر گرفت و نه حوزه‌هایی که سنت‌گرایی بر آنها متمرکز است به سهولت تعریف شدنی‌اند. دین، سنت، مابعدالطبیعه، هنر و مقولاتی این چنین اصولاً دشواری‌های نظری فراوانی پیش روی می‌گذارد.

(اندیشه دینی، ۱۳۹۱: ۴۰)

برخی از اندیشمندان ظهور مدرنیته را که از حدود قرن ۱۷ میلادی آغاز گردیده‌اند، با دین‌ستیزی و تقدس‌گریزی مدرنیته در مقابل با سنت و سنت‌گرایی قرار می‌دهند، ولی برخی دیگر از طریق تعقل و تدین مرزهای مشترک سنت و مدرنیته را پیدا کرده و در جهت پیوند دادن این دو مقوله هستند و از تعالیم سنتی و به روز کردن آنها در جهت تعالی و کمال انسان امروزی گام بر می‌دارند. سنت‌گرایی جریانی است که طی دو سده اخیر، به منظور پاسداری از علم، هنر، تمدن و ارزش‌های متعالی انسانی و ارایه راه حل مناسب برای انسان بحران‌زده غربی، در برابر مدرنیته و دستاوردهای آن به مقابله برخاسته است. مهمترین مولفه‌ها و مدعیات آن، دفاع از حکمت خالده، وحدت متعالی ادیان، کثرت‌گرایی دینی، علم مقدس و معنویت‌گرایی است. (هنر و تمدن شرق، ۱۴۰۰: ۳۰) یکی از اصول مشترک سنت‌گرایی نقد تجدد است. سنت‌گرایان منکر توفیق‌های دانشمندان معاصر در حوزه‌های خاصی از علوم جدید نیستند، بلکه معتقدند انسان و جهان به جنبه‌های کشف شده در علوم جدید محدود نمی‌شود و علاوه بر این، انسانی که ذاتاً برای بقا و زندگی در بهشت آفریده شده است، نباید بقا و بهشت را در این دنیای مادی جستجو کند. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۹: ۷۰۹)

هنر مقدس

هنر یکی از ابزارهای مهمی است که در تعالی و کمال انسانی نقش مهمی را در دوران‌های مختلف ایفا کرده است. هنر برگرفته از روحیات و خصوصیات درونی انسان‌هاست که از طریق متافیزیک درونی هر انسان نشأت گرفته و به عینیت یک اثر هنری در

می‌آید و برای انسان ایجاد شگفتی می‌کند. هنر می‌تواند با معانی عرفانی و الهی گره خورده و در قالب یک تصویر، جسم، کلام، نوا و یا ... در راه تعالی و تکامل روحیه‌ی انسانی جای گیرد و در غایت آن نشان از خداوند متعال تجلی‌بخش آن صنعت و مهارت باشد، و انسان خاکی را با یاد و نام خداوند معطوف نماید. معماری مکان‌های مقدس، شنیدن اذان، صوت قرآن، ادبیات عرفانی، تصاویر روحانی یک کلیسای بیزانسی و یا ترکیبات خوشنویسی و کاشی‌کاری یک مسجد و ... همه می‌تواند در کنار نشان‌دادن جنبه‌ی قدرت هنری یک تمدن و مهارت هنرمند آن، تجلی‌بخش یاد خدا در آن مکان و زمان باشد.

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست
این همه نقش و عجب بر در دیوار وجود
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

(سعدی، ۱۳۷۲: ۳۰۱)

هنر مقدس نتیجه الهام الهی است. نه تنها موضوع آن دینی است، بلکه فرم، نحوه اجرا و زبان آئینی آن منشا قدسی دارد و از این الهام نشات می‌گیرد.

مرگ هنر به این معنی است که هنر، اصل و ریشه، جنبه‌ی آئینی و حقیقت قدسی و الهی خود را از دست داده، حضور اصیل و هاله‌ی قدسی آثار هنری محو می‌شود. اگر هنر از شان الهی تهی شود، هنری مرده و فاقد ارزش است و یا حتی می‌توان گفت که دیگر نامش هنر نیست. (امینی لاری، ۱۳۹۸: ۱۵۲) هنر حقیقتاً مقدس است چه معماری باشد چه شعر و موسیقی، چه با سنگ باشد چه با واژه و مرکب، دری از ماورا را به روی ما می‌گشاید و حجاب زمان را کنار می‌زند؛ پس با قدسیت بخشیدن به هنر و جاری کردن آن در بستر ماورایی، گوشه‌ای از جلوه‌های جمال خداوند هویدا می‌گردد. (همان، ۱۳۹۸: ۱۵۳)

آن‌گونه که افلاطون در رساله ایون از قول سقراط نقل کرد: شاعر هنرمند، الهامی آسمانی را در قالب کلمات تصور می‌کند؛ شاعر لطیف و سبکبال و مقدس است و تا الهامی به او نرسد و از خود بیخودش نکند، هنری در او نیست ... شاعران وقتی از خداوند پُر می‌شوند، آنچه خواست خداست می‌گویند. (افلاطون، ۱۳۸۲: ۹۸)

در پس آئینه طوطی صفتم داشته‌اند
آنچه استاد ازل گفت بگو، می‌گویم

(حافظ، ۱۳۸۸: ۵۱۸)

هنر مقدس، نمادین است، بنابراین با زبان کنایه و اشاره سخن می‌گوید، زیرا هدف حقیقی آن قابل بیان نیست؛ چرا که ریشه و اصل آسمانی دارد و بازتاب حقایق عالم ماوراء است. هنر مقدس در مجموع، آفرینش الهی را به زبان تمثیل بیان می‌کند و از این رو ماهیت عالم را به طور نمادین نشان می‌دهد و بدین‌گونه روح انسان را از قید تعلق به واقعیت‌های ناپایدار می‌رهاند. (فلسفه دین، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

در حقیقت نخستین کارگاهی که در آن می‌توان بهترین شاه‌کارهای هنر مقدس را یافت، طبیعت بکر است که دال بر حضور الهی است و اثری نجات‌بخش دارد. (امینی لاری، ۱۳۹۸: ۱۵۲)

هنر اسلامی

بعد از ورود اسلام در سرزمین‌های مسلمان‌نشین جهان، هنرهایی خلق شد که برگرفته از هنر همان سرزمین‌ها آمیخته با تعالیم اسلامی می‌باشد که وجهه‌ای جدید از هنر را بوجود آورد. این‌گونه از هنر، شاید کاملاً با تعالیم اسلامی تطابق نداشته باشد، ولی تاثیر فرهنگ کشورهای اسلامی در آن مشاهده می‌شود. هنر اسلامی در زمان و مکان‌های بوجود آمده متغیر است، همچنان که هنرهای سرزمین‌های مختلف به صورتی متفاوت ظهور پیدا کرده است. هنر سرزمین‌های آسیایی، اروپایی، آفریقایی و غیره با تاثیرات فرهنگ اسلامی در آمیخته و شکل جدیدی از هنر را به عنوان هنر اسلامی به دستاوردهای انسانی اضافه می‌کند. هنرهایی همچون: معماری، خوشنویسی، نقاشی، صنایع دستی، موسیقی، ادبیات و ... را می‌توان نام برد که در کنار تعالیم اسلامی و عرفانی رنگ و بوی



اسلامی و مقدس را به خود گرفته‌اند و از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توانسته‌اند بر جامعه‌ها تاثیرگذار باشند. هنر اسلامی دامنه‌ی وسیعی دارد و تنها به مسائل مذهبی و دینی اسلام منتهی نمی‌شود. تاثیرات منطقه‌ای در این هنر بسیار تاثیرگذار بوده و برای فهم بهتر هنر اسلامی و ویژگی‌های آن بیشتر باید بر شناخت بین هنر و دین اسلام در مناطق مختلف اسلامی پرداخت. نگاه عارفانه و کمال جویانه‌ی هنر اسلامی را در اکثر مناطق مسلمان نشین به نوعی متفاوت می‌توان دید، در معماری مساجد و محراب و گنبد و اجزای دیگر آن، در موسیقی و آواهای محلی و نوای قرآن و اذان، در نقاشی‌های آنان، در خوشنویسی بکار رفته در معماری، مکان‌های مقدس و کتاب‌آرایی، که در قرآن به قلم و این هنر والا اشاره شده، همگی جلوه‌گر تقدس هنر بومی مناطق مسلمان نشین در دوره‌ی اسلامی و فضایل والای انسانی هستند.

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

(حافظ، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

در شکل‌گیری هنر اسلامی بعضی از عناصر هنری تمدن‌های گذشته وارد شد، باید همچنین گفت در حالی که برای تمدن اسلامی برای آخرین تمدن بزرگ دینی جهان امکان دسترسی به میراث هنری همه تمدن‌های بزرگ قبل از آن وجود داشت، اما استفاده از آنها بطور تصادفی و بدون تمایز انجام نگردید، بلکه از همه آنچه که موجود بود بطور سنجیده و محدود فقط عناصری انتخاب شد که می‌توانست در طرح کلی مورد نظر هنرمندان به کار گرفته شود. (جاویدان خرد، ۱۳۹۶: ۱۳۷)

۲. روش تحقیق

پژوهش مذکور، پژوهشی با مطالعات کتابخانه‌ای بوده که پیشینه‌ی آن، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با سنت‌گرایی و عقاید آنان در حیطه‌ی هنر، که منتشر شده است، می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش، روشی توصیفی - تحلیلی می‌باشد که به تحلیل و بررسی آراء دو اندیشمند مطرح مکتب سنت‌گرایی، رنه گنون و تیتوس بورکهارت، می‌پردازد.

آراء رنه گنون

رنه گنون متولد ۱۸۸۶ در نزدیکی شهر پاریس به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۲ دین اسلام را پذیرفت و بعد از آن که به مصر مهاجرت کرد و تا آخر عمر به عنوان یک فرد مسلمان و به نام «شیخ عبدالواحد یحیی» در قاهره زندگی کرد. وی یکی از محققین تاثیرگذار در علم متافیزیک است که نوشته‌های آن در حوزه‌های امر مقدس و سنت‌گرایی می‌باشد. وی از طرفداران و بنیانگذاران مکتب سنت‌گرایی می‌باشد که در قرن بیستم با رویکرد انتقادی با مدرنیته برخاست و خواستار دانش و خرد در معنای قدسی آن شد، خواستاری بر پایه الهیات و اعتقادات دینی که از ذات خداوند نشات گرفته است و با علم مدرن که با قطع الهیات بر پایه اصول خود رشد می‌کند و به اصطلاح از پایین به بالا حرکت می‌کند، مخالف است. گنون با به‌روز کردن اندیشه‌ها و تعالیم دینی و سنتی با علم مدرن مخالف است، چونکه از نظر وی، علم مدرن نقطه پایداری محکمی ندارد و از یک مطلق بی‌همتا گرفته نشده است پس نقطه‌ی مشترکی با مدرنیته ندارد و آمیختگی این دو را یک توهم می‌پندارد. وی معتقد است که علم مدرن سطحی است و بدلیل عدم عمقی بودن آن، با سطح ارتباط دارد، فقط برای عوام و افراد سطحی می‌توان آن را ارایه کرد و از عرفان و اسرارآمیز بودن معانی آن، به دور می‌باشد.

از منظر گنون، سنت متضمن عنصری فوق بشری است، و آنچه برای وی مهم است، تعالی محض این سنت است. (اندیشه دینی، ۱۳۹۱: ۴۵)

گنون عالم مابعدالطبیعی فرانسوی، پیش از گرویدن به اسلام، اولین تلاش‌های نظری‌ای را انجام داد که خود در آن زمان، عنوان سنت‌گرایی را شایسته‌ی این نظریات نمی‌دانست. گنون در ابتدای راه، پیش از آن که به ادیان علاقه‌مند باشد، شیفته‌ی علوم

خفیه‌ای بود که در اوایل قرن بیستم در فرانسه رواج یافته بود، و دلیل مخالفت گنون برخاسته از مخالفت با کسانی بود که بدون درک سنتی سعی بر نقد تجدد داشتند و خواستار بازگشت به سنت بودند و به عقیده‌ی گنون در تقابل با «روح راستین سنت» بودند. با این حال چون سنتی که سنت‌گرایان در پی آنند، از دل تجدد احیاء شده است، پیش از پرداختن به تعریف سنت، نیازمند روشن شدن نسبت آنان با عالم تجدد هستیم. (اندیشه دینی، ۱۳۹۱: ۴۱)

از نظر گنون هنر باید در راستای معنویات الهی و عرفان الهی بنا شده باشد. باید از منظر تعالیم سنتی و دینی به دور نبوده و در جهت کمال انسانی گام بردارد، کمالی برگرفته از عالم ماوراء و رمزآلود که در قالب یک هنر و یا یک اثر هنری عینیت بخشیده شده باشد و روح الهی در کالبد آن دمیده شده باشد، و تجلی بخش عالم دیگر باشد.

هنر سنتی از منظر گنون، اصول و منشا آن الهی و اطلاق آن در طی زمان بر قلمروهای مختلف از مابعدالطبیعه تا شعر و موسیقی، تا سیاست در تمدن‌هایی که به سبب مبتنی بودن بر اصول الهی است، سنتی نامیده می‌شود. در تمدن سنتی هرگونه فعالیتی مبتنی بر اصول پذیرفته شده نهایتاً الهی است. (سرچشمه‌های هنر مقدس، ۱۳۹۴: ۱۱)

هنر به عنوان یکی از ابزارهایی است که سنت‌گرایان برای تعالی انسانی در جامعه‌ی سنتی از آن بهره می‌گیرند و به عنوان هنر سنتی از آن یاد می‌کنند. هنر سنتی که بر مبنای تعالیم دینی شکل گرفته و از آن عبور کرده و با قدسیت‌پذیری آن به شکل یک صورت قدسی درآمده که از آن به عنوان هنر قدسی یاد می‌شود. هنری برگرفته از دین که در هر شکل یاد خدا را در اذهان عموم، آشکار می‌سازد.

در اندیشه گنون، هنر مقدس هنری است که قالب و صور دینی دارد و هنر مقدس قلب هنر سنتی در یک تمدن سنتی است که با اعمال روحانی مربوط به پیام الهی حاکم بر سنت سر و کار دارد. (همان: ۱۲)

گونون در مفهوم سنتی هنرها می‌گوید: اساسی‌ترین چیز در مفهوم و عقیده‌ی سنتی در باب هنرها، ژرف نگریستن به مفهوم روحانی هم از نظر بنیاد آنها، ارتباط داشتن هنرها با برخی از علوم هم از جهت مفهوم و هم از جهت معنی، کیفیت گوناگون زبان و بیان نمادی، و هم هدف و مقصد آنها به عنوان ابزاری در جهت رسانیدن انسان خاکی به کمال الهی است.

بطور کلی سنت‌گرایی واکنش اروپای مدرن به مدرنیسم است که در جنبش‌های دینی زیادی از جمله یهودیت، مسیحیت و سنت اسلامی بسیار تاثیرگذار بود و سنت‌گرایی در سنت اسلامی برگرفته از اندیشه‌های رنه گنون است. سنت‌گرایان داعیه‌ی مکتبی را دارند که موسوم به فلسفه جاویدان یا حکمت خالده است. (اخلاق، ۱۳۸۹: ۷)

حال این اندیشه‌ی گنون از سنت‌گرایی بر سنت اسلامی تاثیرات خود را بر هنر نیز داشته و هنر اسلامی را برگرفته از تعالیم اسلامی در قالب یک فرهنگ در دوره اسلامی می‌داند، این تفکر تاثیر خود را در تمام مراحل زندگی می‌گذارد و هنر نیز شامل این اندیشه و تعالیم اسلامی قرار می‌گیرد تا بتواند ابزاری باشد برای صراط‌المستقیم هر انسان در زندگی و رسیدن به وحدت متعالی. همان‌طور که سنت و دین منشا الهی دارند، اسلام و سنت نیز از این قانون مستثنی نیستند و هنری که در راستای سنت گام بردارد و از تعالیم دینی تاثیر گرفته باشد هنری دینی و این هنر، هنری مقدس است.

هنر سنتی، سنتی است، بدلیل سازگاری و هماهنگی‌اش با قوانین کیهانی صور و رمزپردازی و اصالت صوری آن در جهان معنوی ویژه‌ای که در آن خلق شده است، حال اگر چنین هنری به موضوعات دینی بپردازد و چنین خدمتی را وظیفه‌ی خود کند، هنری مقدس است. (همان: ۲۶)

آراء تیتوس بورکهارت

تیتوس بورکهارت فردی اصالتاً سوئیسی- آلمانی در سال ۱۹۰۸ در شهر فلورانس ایتالیا چشم به جهان گشود. وی در سال ۱۹۳۵ به آفریقای شمالی مسافرت کرد و بعد از آن در مراکش در شهر فاس ساکن شد و به دین اسلام روی آورد و مسلمان شد.



بورکهارت پژوهشگر هنرهای اسلامی، معماری و تمدن اسلامی است، وی از اندیشمندان تفکر سنت‌گرایی و حکمت خالده به شمار می‌آید. وی نیز همچون سنت‌گرایان دیگر که در مقوله مفهوم سنت، مشترکاتی دارند سنت را یک پدیده‌ی فوق بشری می‌داند که انسان را به عالم بالا وصل می‌کند و همچنین می‌تواند در برگیرنده دین و تعالیم آن نیز باشد. وی تمدن شرق و ادیان و همین‌طور هنرهای شرقی را ابزاری برای رسیدن انسان به وحدانیت الهی می‌داند. از منظر سنت‌گرایانی همچون بورکهارت مفهوم سنت به معنی چیزی که در گذشته بوده و تکرار شده، نیست، بلکه منظور از سنت، سنتی است که بر مبنای فضل خداوندی و فلسفه جاویدان شکل می‌گیرد، است، و کمال انسانی را در درک این نوع سنت می‌داند. وی هنر را مصنوعات ساخته بشری از نظمی که از وحدت الهی سرچشمه می‌گیرد، می‌داند.

گر در سرت هوای وصال است حافظا / باید که خاک درگه اهل هنر شوی

(حافظ، ۱۳۸۸: ۶۶۵)

بورکهارت هنری را دینی می‌داند که معطوف به زیبایی‌های معنوی و روحانی باشد نه اینکه صرفاً موضوع آن امر قدسی باشد. هنر دینی را همان هنر سنتی می‌داند و هنر دینی مبتنی بر حکمت متعالیه و معنوی یا همان عرفان است و محتوایش نوعی حکمت ذوقی و شهودی است، لاجرم هنر از این مضمون هنری رمزپردازانه یعنی علم به صور و قالب‌ها، استوار است. (اندیشه معماری، ۱۳۹۷: ۳) خارج از این مضمون برای هنر، هنر تولید شده را هنر ناسوتی یعنی هنری که از عالم بالا فاصله گرفته و منشا تفکر و پدیدآورنده آن را بشر خاکی با تفکر مستقل می‌داند، که پشتوانه محکم مطلق ندارد.

هنر دینی، هنری است که تقابل هنر آشکاری با هنر ناسوتی ندارد و حتی ممکن است از همان وضع و منظر ناسوتی دست به خلاقیت هنری بزند و تنها وجه برای دینی خواندنش، این است که به موضوعات دینی می‌پردازد و وظایف و تعهدات دینی را برای خودش مقرر می‌کند. (همان، ۱۳۹۷: ۴)

از منظر بورکهارت، ملاک هنر، معنوی بودن آن است که دارای مبداء الهام فوق بشری و زبان رمزی باشد. اگر هنری بر این دو ویژگی مستقیماً با موضوع دینی و اعمال مذهبی یک سنت مربوط باشد، هنر مقدس است.

مورخان که واژه هنر مقدس را برای هر اثر هنری واجد موضوعی مذهبی بکار می‌برند، فراموش می‌کنند که هنر اساساً صورت است. برای آنکه بتوان هنری را مقدس نامید، کافی نیست که موضوع هنر از حقیقتی روحانی نشأت گرفته باشد، بلکه باید زبان صوری آن هنر نیز بر وجود همان منبع گواهی دهد. تنها هنری که قالب و صورتش نیز بینش روحانی خاص مذهب مشخصی را منعکس می‌کند، شایسته‌ی چنین صفتی است.

(هنرمقدس، ۱۳۹۲، ۷) بطور مثال از منظر بورکهارت، اگر کعبه از نظر واقعیت، اثر هنری تلقی نشود، یک بنای مکعبی ساده بیش نیست، از این رو باید آن را از پیش از آغاز هنر انگاشت که سرچشمه معنوی آن بسته به نظر نگارنده به اساطیر و در نهایت به الهام می‌رسد.

هنر اسلامی که برگرفته از فرهنگ و تمدن اسلامی است خارج از مبحث روحانی آن ساده و بدون تجمل است، که در عین سادگی و رمزآلودگی آن در جهت رسیدن انسان خاکی به کمال والای انسانی گام بر می‌دارد. از منظر بورکهارت، هنرمندان اسلامی هنر را، از ساخت و پرداخت اشیا بر وفق طبیعت‌شان که خود حاوی زیبایی بالقوه است می‌داند، زیرا زیبایی از خداوند نشأت گرفته و هنرمند باید به این بسنده کند که زیبایی را بر آفتاب اندازد و عیان سازد.

بورکهارت زیبایی در هنر اسلامی را نیز اساساً جلوه‌ای از حقیقت کلی می‌داند و معتقد است که منشا زیبایی اشیا صفت جمال و کمال الهی است، و از نظر اسلام آن را محتوای صورت و زیبایی محتوا با کلام وحی و قرآن مطابق می‌داند و قوانین سنت و روح



سنت بین هنرها، به هنرهای سنتی، صبغه‌ای قدسی می‌بخشد. رسالت هنر در بینش اسلامی، شرافت بخشیدن به ماده است. (هنر و تمدن شرق، ۱۴۰۰: ۳۲)

احدیت که در عین حال به غایت، عینی و انضمامی است، به نظر انسان، تصویری انتزاعی می‌نماید، و این امر، بعلاوه بعضی عوامل مربوط به ذهنیت سامی، مبین خصلت انتزاعی هنر اسلامی است. محور مرکزی اسلام، احدیت و وحدانیت است، ولی هیچ تصویری قادر به بیان آن نیست. (هنر مقدس، ۱۳۹۲: ۱۳۱) ذوق و قریحه‌ی هندسی که وجودش چنین قدرتمندانه در هنر اسلامی تایید می‌شود، مستقیماً از صورت تامل نظری که اسلام بدان عنایت و الطافت دارد انتزاعی است نه اساطیری، می‌تراود. برای مسلمان هنر به میزانی که زیباست، بدون داشتن نشانی از الهام ذهنی و فردی، فقط دلیل و گواهی بر وجود خداست؛ زیباییش باید غیرشخصی باشد، همانند آسمان پرستاره. در واقع هنر اسلامی به نوعی از کمال می‌رسد که گویی از صانعش مستقل است، افتخارات و نقائصش در برابر خصلت کلی اشکال محو می‌گردد. (همان، ۱۳۹۲: ۱۳۷)

شرمان باد ز پشمینه‌ی آلوده خویش

گر بدین فضل و هنر نام کرامات بریم

(حافظ، ۱۳۸۸: ۵۰۸)

۳. بحث، تجزیه و تحلیل

سنت‌گرایی که در قرن بیستم به نقد عصر مدرنیته پرداخت با نظریه اندیشمندانی همچون رنه گنون و شوان شروع شد و افرادی همچون بورکهارت و سیدحسین نصر پیرو این مکتب، نظریاتی را در باب تفکر سنت و سنت‌گرایی ارائه دادند. از میان آنان رنه گنون و تیتوس بورکهارت که هر دو اسلام را پذیرفتند و در سایه تعالیم اسلامی و تمدن شرق نظریاتی را در راستای هنر والا و هنر اسلامی، ارائه دادند، اگرچه سنت‌گرایان در برخی از نظریات با یکدیگر اندیشه‌های متمایزی داشتند ولی در باطن اصلی سنت‌گرایی و اصول آن با یکدیگر مشترک بودند. گنون و بورکهارت سنت را یک پدیده‌ی تکرار شونده تلقی نکرده و آن را عنصری فوق بشری دانسته که از عالم بالا به زمین انعکاس پیدا کرده است که برای تعالی و تکامل انسان بوجود آمده تا در غایت آن به معنویت الهی منتهی شود. هنر نیز از این قاعده مستثنی نیست و اگر بخواهد از یک هنر دست ساخته‌ی بشری به یک هنر والا یا مقدس عرج پیدا کند باید به جز آنکه مضمون آن بر مبنای عرفان الهی باشد قالب و صور آن نیز، مخاطب را به یاد خداوند معطوف بدارد.

گنون هنر اسلامی را بصورت کلی برگرفته از سنت اسلامی می‌داند و هنر اسلامی باید برگرفته از تمدن اسلامی و الهیات (فلسفه جاویدان) باشد، بورکهارت هنر دینی را هنری می‌داند که تعالیم دینی را جز وظایف خود می‌داند و هنری را هنر مقدس می‌داند که در کنار داشتن رمز و راز از معرفت الهی نیز سرچشمه گرفته باشد. وی هنر اسلامی را برگرفته از تعالیم قرآن و وحی بر پیامبر می‌داند. این دو اندیشمند هنر اسلامی را که در سایه تمدن اسلامی رشد و نمو پیدا کرده و شاخ و برگ گرفته همه از ذهنیت تا عینیت آن را، در تبلور سنت اسلام و معنویت الهی می‌بینند. بورکهارت برترین هنرها را در قالب هنر اسلامی، معماری اسلامی می‌داند و اجزای مختلف مکان‌های مقدس در معماری اسلامی را همچون مسجد، با ویژگی‌های رمزگونه بودن آن، با صفات ویژه‌ای به عالم بالا مرتبط می‌سازد و در درک و فهم بهتر رابطه‌ی دین و هنر، انسان را یاری می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

هنر از برجسته‌ترین یاری‌رسانان دین در دوره‌ها و مکان‌های مختلف تاریخی بوده که در نزد دینداران بنا به کاربردی که از هنر برای پیشرفت و تبلیغ دین انجام می‌دادند، تعاریف و رویکردهای متعددی را از هنر می‌توان پیدا کرد. هنرمند سعی داشته که با مهارت و خلاقیت، زیبایی را نیز به مخاطبین خود ارائه دهد، حال این زیبایی بُعدی مادی داشته باشد یا اینکه بُعدی عرفانی و الهی. از منظر سنت‌گرایان، هنر دینی نیز در سایه تعالیم دینی باید با تبعیت از ارکان و ارزش‌های دینی گامی بالاتر را پیموده و اگر بخواهد به هنری مقدس سوق پیدا کند می‌بایست با توجه به وحی و الهام الهی، قالب و صورتی مقدس را به خود بگیرد تا بتواند انسان خاکی را



از زمین به عرش الهی سوق دهد، و هنرمند می‌تواند در کنار خلاقیت و کسب ویژگی‌های عرفانی در قالب خلق یک اثر هنری، سفیر مقصد الهی برای دیگر افراد جامعه باشد. به قول سعدی شیرازی:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

هنر اسلامی از منظر سنت‌گرایان که بصورت کلی مباحث یک اثر هنری را با بهره‌گیری از آداب متافیزیکی به سوی یک هنر مقدس سوق می‌دهند، مسئله‌ی مهم دیگری که باید حتماً آن را مدنظر بگیریم این است که، هویتی که آن هنر را در دوره اسلامی خلق کرده، در برخی از مواقع نادیده گرفته می‌شود و فقط مبحث متافیزیکی و دینی هنر مدنظر گرفته می‌شود، در صورتی که هنر ریشه در جغرافیا و تاریخ یک تمدن دارد که توانسته حال در کنار الگوهای مقدس دین اسلام، شکل یک هنر اسلامی را به خود گیرد و بتواند منعکس‌کننده‌ی مبانی‌ای باشد که ما در فلسفه هنر اسلامی از آن به عنوان حکمت هنر اسلامی یاد می‌کنیم.

منابع

- [۱] افلاطون، ۱۳۸۲، پنج رساله، ترجمه محمود صنایعی، تهران: نشر هرمس، ص ۹۸
- [۲] امینی‌لاری، لایلا، ریاحی‌زمین، زهرا، ۱۳۹۸، هنر شرقی _ هنر مقدس، فصلنامه علمی پژوهشی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۹، ص ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۹
- [۳] بردباری، فرهاد، خوش‌بین، سیدرحیم، کاکائی، قاسم، ۱۳۹۷، رمزپردازی در هنر مقدس معماری از نظر سنت‌گرایان، نشریه اندیشه معماری، سال دوم، شماره ۶، ص ۳ و ۴
- [۴] بورکهارت، تیتوس، ۱۳۹۲، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش، ص ۴، ۷، ۱۳۱ و ۱۳۷
- [۵] بهوند، رزا، تویونچی‌راد، مهناز، درویشی، ندا، ۱۴۰۰، نقدی بر زیبایی‌شناسی از دیدگاه سنت‌گرایان، مجله هنر و تمدن شرق، شماره ۳۴، ص ۳۰ و ۳۲
- [۶] جلیلی، تورج، احمدی، فاطمه، ۱۳۹۴، بازشناسی سرچشمه‌های هنر مقدس در معماری، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهشی در مهندسی، علوم و تکنولوژی، ص ۴، ۱۱ و ۱۲
- [۷] حافظ، ۱۳۸۸، دیوان غزلیات حافظ، به کوشش دکتر خلیل خطیب، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ص ۲۰۶، ۵۱۸ و ۶۶۵
- [۸] زمانی، مهدی، ۱۳۸۸، نظریه تذکر و رسالت معنوی هنر، نشریه پیام نور در حوزه علوم انسانی، دوره ۱
- [۹] شیرازی، سعدی، ۱۳۷۲، کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر، ص ۳۰۱
- [۱۰] عباسی، ولی‌الله، ۱۳۸۹، معنویت و هنر از دیدگاه سنت‌گرایان، نشریه اخلاق، شماره ۲۰، ص ۷ و ۲۶
- [۱۱] علیزاده، بیوک، قائمی‌نیک، محمدرضا، ۱۳۸۸، در جستجوی امر قدسی: چپستی امر قدسی در میان سنت‌گرایان، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، شماره ۴، ص ۴۰ و ۴۱
- [۱۲] گنون، رنه، ۱۳۷۴، مفهوم سنتی هنر، مترجم: دهسیری، سیدضیاءالدین، نشریه هنر، شماره ۲۹، ص ۳ و ۴
- [۱۳] فرزانیار، حمیدرضا، ۱۳۹۶، هنر اسلامی یا هنر مسلمانان، جاویدان خرد، شماره ۳۲، ص ۱۳۷
- [۱۴] مازیار، امیر، ۱۳۹۱، نسبت هنر اسلامی و اندیشه اسلامی از منظر سنت‌گرایان، نشریه کیمیای هنر، شماره ۳، ص ۴۱ و ۴۵
- [۱۵] محمودی، ابوالفضل، الیاسی، پریا، ۱۳۸۸، رویکردهای دینی به هنر مقدس، فلسفه دین، سال ششم، شماره ۴، ص ۱۴۸
- [۱۶] هومن، ستاره، ۱۳۹۹، سنت‌گرایی، دانشنامه جهان اسلام جلد ۲۴ (سکولاریسم - سنن)، ص ۷۰۷ و ۷۰۹
- [۱۷] یآوری، حسین، ۱۳۸۲، هنر اسلامی تجربه زیباشناختی از وحدت و کثرت، نشریه گلستان قرآن، شماره ۱۵۲



Analysis of Rene Guenon and Titus Burckhardt's views on sacred art and Islamic art

Abstract

In historical periods and in different geographies of this earth, art has shown its influence in promoting different religions to nations. Art has always been criticized from the point of view of philosophers and thinkers of the era, and according to the multitude of religions and the way of thinking of thinkers, it has gone through different theoretical bases. From the point of view of traditionalists, art is an art that can be developed and improved by human beings, which can come out of the form of art for art's sake and step in line with tradition and religious and mystical teachings, so that it can guide man towards unity in any form and form. make Traditionalists presented different ideas about art, which were in agreement with each other in most of the ideas. In this research, the opinions of Rene Guenon and Titus Burckhardt are analyzed from the point of view of the art that takes a step towards sacred art and religious art and among the religions that benefited from the teachings of Islam in the Islamic period, and finally In order to achieve a sacred art in Islamic art, we must pay attention to the roots of art in Islamic lands and by placing this theme with Islamic teachings, we can take a step towards a sacred art. This research is a library research that has been used according to the books and articles that have been published on this topic and it describes and analyzes the opinions of these two traditionalist thinkers of the ۲۰th century in the field of art.

Keywords: sacred art, Islamic art, traditionalism, Rene Guenon, Titus Burkhardt

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی